

متن پرسش

با سلام: بنده ۴۱ ساله از نوجوانی درگیر مساله اثبات خدا هستم و زندگیم به خاطر ناراحتی و ترس ناشی از عدم رسیدن به نتیجه بسیار عذاب آور شده. مساله من اینه که می‌ترسم خدا موجودی باشه که جدای از من و به صورت دومین موجود در برابر من باشه و اگه اینطور باشه شاید بخواد منو عذاب کنه ولی اگه بتونم اثبات کنم که وجود من ذره ذره اش از خداست و آیت خدا ست خدا بی دلیل عذابم نخواهد کرد مشکلم حل میشه. بخاطر همین سالهاست تمام براهین اثبات وجود خدا و وحدت وجود رو مطالعه و تحقیق کردم به عنوان مثال کتاب تبیین براهین اثبات خدا (جوادی آملی) دروس صوتی حوزه بدایه نهاییه، الحکمه تمهید القواعد، شرح منظومه سبزواری به صورت صوتی (استاد زنجیر زن حسینی) کتاب های فراوان در باره وحدت وجود، کتب استاد یزدانپناه، کتب شهید مطهری، چند ده مقاله در رابطه با براهین صدیقین و انواع کلیپ ها و مشاوره مذهبی و مناظرات ولی به نتیجه نرسیدم. مساله به این روشنی نیست به عنوان نمونه بسیاری از اساتید حوزه وحدت وجود رو قبول ندارن مثل آیت الله سیدان، حجت الاسلام گندم کار، استاد فیاضی، استاد مصباح که قایل به تداخل وجودیه. حتی خود ملاصدرا اوایلش تشکیک وجود رو میپذیره. برای همین مجبورم به احتمال عمل کنم با خودم میگم یا خدا کمال مطلقه و نامحدود وجودیه و بنابر این خداست که فقط وجود داره و اندکی از کمالات خدا به شکل من ظاهر شده و بنا رو بر این بزار و مسلمان باش، ولی باز با خودم میگم بخاطر اینکه دلیل قاطع نداری به احتمال حتی یک در هزار هم که باشه ممکنه خدا جدای از تو باشه و اشتباه پرستشش کردی و عذابت خواهد کرد. عمل به احتمال باعث میشه موقع اشهد ان لا اله الا الله گفتن نماز با خودم بگم چطور شهادت میدی توکه دلیل قاطع نداری. خواهش می‌کنم کمک کنید اگه ممکنه این نامه من رو به یک انسان صاحب کرامت برسونید و ایشون دستورالعملی بدن یا راهی پیش پام بزارن تا ازین وضع نجات پیدا کنم. چون از لحاظ براهین قانع نشدم. وقتی فرض می‌کنم خدا موجودی جدا از منه و از فاصله ای بیرون از من داره به من و اعمالم نگاه می‌کنه برای ابطال این نظر استدلال میارم که فاصله بین من و اون موجود فضای خالی یا خلا یا همون نبود وجود باید باشه تا دو تا موجود جدا از هم تحقق پیداکنه یکی من و دیگری خدا، بعد میگم که خلا رو یا عدم وجود رو چون درک می‌کنی و مثلا میگی این فضای خالیه یا این نبودن وجوده همین اشاره کردن و بکار بردن لفظ (این) اثبات میکنه که در بین من و خدا هم وجودی موجوده (خلا) پس این سه چیز به هم پیوسته هستن و یکی هستن حداقل در عالم مادی جدایی نیست و همه به هم متصلند ولی باز به شک میافتم. استاد جوادی آملی پس از کلی بحث و بررسی براهین مختلف خدا شناسی و نقد اونها از

قبیل نظم و صدیقین و براهین عرفا همه اونا رو دارای اشکال میدونن و به نظرم درست هم میگن و در آخر یک خط چکیده برهان میارن میگن: شکی نیست واقعیتی وجود دارد (برهان صدقین علامه طباطبائی) و این واقعیت نا محدود است زیرا اگر محدود بود از حد آن به بعد سفسطه آغاز می‌شد و این باطل است (تکمیل شده آیت الله جوادی آملی) ولی این رو من درک نمی‌کنم و درستیش برام قابل فهم نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال بخواهید و نخواهید یک چیز بیشتر نیست و آن، خدایی است که همه عالم را وجود داده است و به عنوان وجودی مطلق، هر مخلوقی جلوه‌ای از وجود اوست به نور اسمی از اسماء حسناى او. و این‌جا است که مائیم و حضرت معبود و راهی که پیامبر خدا «صلوات الله علیه و آله» در مقابل گذارده است تا با حضرت محبوب خود زندگی را معنا کنیم. «یک نکته‌ات بگویم خود را مبین که رستی». خوب است در این مورد به کتاب «ده نکته در معرفت نفس» همراه با شرح صوتی آن که هر دو در سایت «لب المیزان» هست، رجوع فرمایید و یا به کانال «معرفت نفس» https://eitaa.com/marefatenafs_10nokteh رجوع فرمایید. موفق باشید